

# حقیقت

شماره ۱۳۷۲ - ۲۳ مرداد ۱۳۶۰

## درباره وحدت اصولی

(دنبالاً و شماره پیشین)

در شماره گذشته بحث خود را درباره مباحثی آغاز کردیم و اشکالات و کمبودهایی که بنظر ما می رسید از شما میخوانیم. شماره بعد آن ادامه میدهیم. در اولین بخش این مقاله گفتیم که انقلاب ایران برای بدست آوردن استقلال واقعی و یک دهنم خونخوار یعنی امپریالیسم آمریکا طرف است. و امپریالیسم آمریکا از سیاستهای گوناگون بیرونی کرده و نیروهای مختلفی را در عرصه کارزار و طبقاتی جامعه ما به جولان در آورده است و بنا بر این برای تمام کردن کار امپریالیسم آمریکا، نیروهای انقلاب و ترقی ملی باید در عین آنکه تبه تبه خود را بیرونی و رژیم غیابت پیشه و جلادها کم متوجه گردانند، با عواقل و نیروهای آمریکائی از او بیسی و پالیسیان گونفته تا بختیاری و امینی و مهره های ریز و درشت دیگر حساب خود را بسویه کنند. این خلاصه بحث آغازین ما بود. اجازه میدهیم بحث خود را ادامه دهیم.

در صفحه ۶

## پیوستگی بیان در انقلاب

### همانست هفتاد و پنج سالگرد

### انقلاب مشروطه

هفتاد و پنج سال پس از آنکه در سال ۱۲۸۰ هجری قمری انقلاب مشروطه در ایران رخ داد و تبدیل سلطنت مطلق به کثونی با زبیه شدن گذرگاه و تبدیل سلطنت مشروطه حاکمیت مردم تا برخی رسید که نسل انقلابی آن را بر سر نوشت خویش تحقق خواهد داد. زمان فرجی آن انقلاب خویشی یا فتیله نعلان ما باستانی بدان رسید و با افتخار آن اشرف و سیاستهای وطن - عبور کرد. در آن زمان میردم فروشانها آنها در قفس سال ایران با شعارهای مشروطه قدرتیای بیگانه با بیان داده خواهان به جنگ استیلا قاجار. خواهشده من در صفحه ۶

قدرتیای استعماری حطمی آن اما با بیروزی سرطه ای رفتند و پس از یکسال چنوب و مردم ایران بر اثر افسوس خوش انقلابی، نظامی و قاجار و اعلام رسمی مشروطه است نشینی شاه قاجار را و ادار سلطنتی به هیچ روتقیداد به امضای فرمان مشروطه و قبول آشتی نا پذیر میان دموکراسی مجلس شورای ملی کردند. و استبداد میان رقافتای مردم ذهنیت حاکم بر مردم در آن زمان برای اثبات حاکمیت ملی تا این سطح از مبارزه به خویش از یک سو و خواست ارتجا خودکامی و حکومت مطلق بر عی اشرافیت قاجار و برای ادامه از تله یافته بود که بیورمی در صفحه ۶

## اخبار نسران کشور

### تهران

اعضای انجمن های اسلامی دانشگاهها و همچنین سپاه پاسداران و اعضاء تحکیم وحدت به استخفاف ما و اما در آمده اند و برها کلت و دخترها بوزی و کلت حمل میکنند. این قبیحیت را با واگنهای تسمی سازماندهی و متشکل میکنند.

افراد بسیج و کمیته به طرق مختلف در خیابانها و پارکها و میادین مردم را تحت نظر دارند. از جمله بصورت دور و گسردی و دستفروشی و صیقا و فروشی و ...

تلفن های عمومی چهار راه مصدق، فلسطین، دانشگاه تهران، پارکها و شجره میذای و لیست تحت کنترل میباشد. مقدار بیش از دو سکه دوریالی در جیب موجب سوزن میگسردند. تلفنهای مکانهای مثل دفترهای شخصی تحت کنترل میباشد و موجب لورفتن یا استبداد ...

در صفحه ۳

## صدیقت با انقلاب و تهران مان ملی تابکجا؟

وزارت کشور با پیشینگان نکاتی پیدا کنیم:

شهرداری تهران در مورد تغییر نام برخی از خیابانها و میدانها و گردشگاه های تهران موافقت کرد. نامهای انتخاب شده طبق معمول اسلامی و مکتبی است. چون خیابان شهید مطهری و "کمیله" و "فدک" و "رمضان" و غیره. ولی نامهای قبلی این گذرگاهها و اماکن خود بحال هستند.

به میدان هفتم تبرما تغییر نام یافت. رضائی ها گفته بودند؟ فکر میکنیم احتیاجی نباشد که رضائی ها از این است ایران حرفی کنیم. فکر میکنیم لازم باشد که از رضا رضائی، احمد رضائی، مهدی رضائی، سعید رضائی، سادات رضائی ها ... (در صفحه ۷)

## چرا حکام به شهر یانی پرخاش ملی کنند؟

لشکر از ترور حسن آیت - ما نمیتوانیم بپذیریم نماز بنده مجلس شورایی اسلامی، یک موج وسیع تبلیغاتی علیه شهر یانی و بیگسار بودن آن درجا معبره افتاد. اکبرهاشمی و فتنیها این موج را آغاز کرد. وی در مجلس شیدا به شهر یانی حمله کرد و در لاملای سخنانش گفت که چه انتظاری از این نسیسزوی انتظامی مسلح دارند.

... ما نمیتوانیم بپذیریم که شهر یانی نمیتوانند در رژیم سناک بهلوی، ما شایا آنقدر که از شهر یانی وحشت داشتیم از ما و اکو وحشت نداشتیم. با سنان ها در زمانی که دوره است آنها نبودند و لهتات بیگاری با لباس میدل در صحنه با آنها و گروه ها حضور داشتند و ... (مکتبه در صفحه ۸)

بقیه از صفحه اول  
نیروی استواری

سرای تکامل قطعی واجتناب  
ناپذیرمبارزه میان عناصر  
دموکراسی و استبداد از مرحله  
مساومت به مرحله قهر میبایست  
گشتند.

پس از کمابیش یکسال و  
نیم کثاکش مماثلت آمیز میان  
قوای دموکراسی جامعیه و  
طرفداران استبداد سرانجام  
قالب مشروطه سلطنتی پیش از  
آن دیگر نتوانست همزیستی دو  
شیروی ما هیئت منافع درون  
خود یعنی حقوق آزادی  
های ملت را در کنار امتیازات  
ذریه و امتیازات تحمل کنند  
این قالب با کودتای  
ارتجاعی دربار قاجار ترکیب و  
تزیین آن شکل مساومت آمیز  
تکامل درگیری میان دموکراسی  
دموکراسی و استبداد جای خود  
را نه شکل قهرآمیز درگیری  
میان دموکراسی و استبداد  
پسین مجلس اول مشروطه به  
پنزله حرکت قطعی ارتجاع  
خیانت پنهان قاجار برای  
سرکوبیدن انقلاب و کلیه قوای  
دموکراسی و فرارسیدن لحظه  
نبرد تعیین سرنوشت میان  
هواداران آزادی و استبداد  
بود آنها که این لحظه را  
دریافتند و اقبال برای آن  
آماده بودند و در برابر هجوم  
مملعانه کودتاگران تن به  
عقب نشینی و واژدگی ندادند  
فدایم کردند و با فراختر شدن  
پرچم قیام مملعانه جنگ کودکان  
را به جنگ علیه کودکان گران  
شکست گرانند.

شایستگی تاریخی  
مبارزان سران انقلاب مشروطه  
و مجاهدان و یاران او در قیام  
در این بود که آنها بی هیچ  
نوسان و تردیدی و بدون نگاه  
کردن به پیش و پیش خود ایستاد  
پرچم را برافراختند و حتی پس  
از آنکه مقاومت مملعانه  
تبریز در زمان محلات ایستاد  
شهر بجز محله امیرخیز در هم  
شکست با زهم زبانی نتوانستند  
و نومید نشدند آنها پرچمهای  
سفید تردید و مملعانه اندیشی

بورژوازی و خرده بورژوازی  
شهر و با برقوای مجاهدان  
گلوله بستند و با مقاومت  
دلبران، خویش همه تریسز  
و دپیی آن شامی ایران را  
دلگرم کردند و به جوش آوردند  
وزمین فتح بعدی تهران و  
خلع شاه مستبد قاجار فراهم  
گردانیدند.

۱. روز پس از گذشتن  
هفتاد و پنج سال از نخستین  
انقلاب مردم ایران درس های  
این انقلاب هنوز برای  
انقلابیون کشور ما آموزنده  
و درخور تامل است و شاید  
تجارب آن پیش از هر انقلاب  
دیگری در جهان راهگشا و  
الهام بخش باشد. امروز هم  
مردم ایران در جریان دومین  
انقلاب خویش در واقع امرولی  
در شکل و قیافه ای جدید  
همان نقطه ای رسیده اند که  
مردم آن زمان در برابر خونین  
۱۲۸۲ پس از یکسال و نیم  
کثاکش برکش و قوی مجلسی و  
در بارها آن مواجه شدند  
دعوت زمانه هم همان دعوتی  
است که ستارگان و مبارزان  
دلیرش به اجابت آن برخاستند  
امروز هم انقلاب ایران در پی  
دوران و نیم کثاکش برکش و  
قوی و در مجموع مساومت آمیز  
میان قوای دموکراسی و  
نیروهای استبداد مذهبی  
که در قالب جمهوری اسلامی  
تکامل میبافت، به نقطه ای  
رسیده که از این نقطه به بعد  
تنها با بدست گرفتن مسلح  
میتوانند راه خود را بکشاید.

اینبار ربه روزی مرحله ای  
انقلاب ایران که در زین  
شماره ای جمهوری خواهانه و  
مذهبی به جنگ استبداد دینلوی  
و قدرتهای استعماری بیگانه  
خامی آن رفت، با سرکونسی  
رژیم سلطنتی و تبعیض آن با  
جمهوری اسلامی مشخص گشت  
پس از یکسال و چندی جوش و  
فروش انقلابی در سراسر کشور  
راهپیمایی و اعتصاب و سرانجام  
هجوم مسلحانه به پادگان های

مراکز قدرت این بی روزی  
عملی گشت. ذهنیت حاکم بر  
مردم در این انقلاب تا این  
سطح ارتقا یافته بود که تصور  
میکردند که با برانداختن شاه  
و تبدیل رژیم سلطنتی به رژیم  
جمهوری اسلامی یعنی سه  
جمهوریتی که منتهی به مذهب  
و در نتیجه همراه با وجود  
امتیازاتی برای روحانیت  
باشد سرسروش خویش حاکم  
خواهند گشت و دیگر به استبداد  
و سیامتهای ضعیف گذشته  
دچار نخواهند شد. مردم ایران  
در بهمن ۵۷ بر فراز سنگرهای  
که یکی پس از دیگری فتح میشد  
بجای انتقال قدرت از پادشاه  
مسلطه انتقال قدرت را به  
دست کسانی سپردند که آنرا  
بنا به عناوین جنگ طبقاتی و  
قشری خویش رها نموده های  
زیادی که آنها را به نظامات  
ارتجاعی گذشته متمل میکرد.  
از بالا لاجل و نقل کردند و بنام  
مردم جمهوری را بنا نهادند.  
جمهوری اسلامی یعنی  
وحدت ناپایداری از و عنصر  
متضاد حق حاکمیت مردم و ولایت  
فقیه، برابری حقوقی مردم و  
حقوق ویژه برای روحانیت،  
بازتابی از ادامه تضاد  
آشنی نا پذیر میان دموکراسی  
و استبداد بود. این جمهوری  
التقاطی یعنی آن بود که  
ما با زهم با یک مشروطه سلطنتی  
دیگری روبرو هستیم که بار در  
قالب خواه میگوشتدین و عنصر  
متضاد حاکمیت مردم و حکومت  
مسلطه آشنی دهد. حال آنکه  
این دو آشنی نا پذیرند. در  
آنجا میان امتیازات فئودال  
لی اشرافیت و سلطنت و  
دموکراسی بورژوازی (یعنی  
برابری حقوقی مردم و آزادی  
سیاسی) قرار بود آشنی داده  
شود و در اینجا میان امتیازات  
فئودالی روحانیت و ولایت  
و دموکراسی بورژوازی در آنجا  
راه برای تجدید قوای ارتجاع  
که برای مقابله با آن دموکراسی  
در صفحه ۲

بقیه از صفحه اول

## دوره ۳۰۰

برای یک اتحاد اصولی فقط کافی نیست که بروی آنچه که با آنها مخالف هستیم توافق نمائیم. بلکه برای یک وحدت عملی یا بدینرا هم مثبت خویش را نیز عرضه داریم. این درست است که ما مخالف رژیم جمهوری اسلامی و مخالف وابستگی به آمریکا هستیم. ولی این همه قضیه نیست و نباید باشد. سرشناسی بیان داشت که منظور ما از استقلال چیست و چه تداپیرو برنامها اساسی این امر را تعیین مینماید. و گرنه سخنمان و گفته های ما فقط در حاشیه روشنی و شعریاتی خواهد ماند و هیچگاه واقعیت مادی نخواهد یافت. و گرنه بهمین جایی که امروز انقلاب ما رسیده است خواهیم رسید: در حرف بسیار "فدا سرکاشی" و "نه شرقی و نه غربی" ولی در عمل چهار رنمل بسوی وابستگی کامل تاختن.

استقلال، هما نظر که آقای بنی بدر هم در "میثاق" اشاره کرده اند، باید در تمامی عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی مستقر گردد. ولی سؤال اینست که روشی بر ما برای تحقق این امر در عرصه های بالا یادگاری میماند؟ ما نظر خود را بر سه اجمال میگوئیم:

۱- از بیابانی وابستگی در عرصه اقتصاد برای ملت مستعبد و محروم ایران عبارت برده اند: زکاتش سرمایه داری وابسته که در اشکال مختلف خون این اقتصاد را میکشد و در چون مناسبت مونتاز و بیابانی در مورد دولت امیریا لیبی و ... تک معمولی گردیدن اقتصاد ایران یعنی تکیه یکجانبه بسوی دروپیکر بر در آمد نفت و ... انقلاب ایران اگر واقعا میخواهد استقلال اقتصادی را برای این ملت به ارمغان بیاورد، باید روش سیاسی انقلابی و بدین گنشت نسبت به این عوامل وابستگی انتخاب نماید. ملی کردن صنایع وابسته، صادرات سرمایه های امیریا لیبی و سرمایه داران وابسته با بد در راه امور اقتصاد ملی انقلاب ایران قرار بگیرد. روشن نگوئیم که بدیده ما هیچ راه وسطی در مورد سرمایه های امیریا لیبی و سرمایه داران وابسته موجود نیست. با بیطورکی و تمام کمال دل از مناسبت مونتاز و وابسته میکنیم و با اینکه فقط دست به املاجات نمیدهیم می زنیم که تا قیامت با زهم به رعد و گشتش این بخش وابسته اقتصاد دسجر خواهد شد. هما نظر که امروزه بسبب که "ملی کردن" های قلابی، عدم بریدن کامل از صنایع مونتاز و ... کار وابسته آنجا کشانده است که چنان به زان دسبوی با بیروشی کامل پشت را دیو و تلوینویزی می رود و در راه قرار داد تا لیبوت میگوید که این یک امر کاملاً طبیعی است! ما با خودمان لبان دراز ما یا این شرکت قرار داد داشته ایم!! دل کندن از صنایع مونتاز و وابسته معنای دل بستن به صنایع ملی و رشد اقتصاد ملی است. صنایع وابسته، با بیطورکی اقتصاد وابسته، با نند حلقه طناب است که بر گردن اقتصاد ملی ایران افکنده شده است و هر لحظه پس حلقه تنگ تر میشود. رشد اقتصاد وابسته از قبیل تا توان گردیدن اقتصاد ملی صورت میدهد. بدین دلیل است، فقط یکی از این دو راه در مقابل ما قرار دارد: انقلاب ایران بدون تا مل با بد ریشه های اقتصاد وابسته را قطع سازد و به گسترش و شکوفایی اقتصاد

ملی پروبال دهد. اگر چه منتظر است برخی اظهار دارند که این قطع ریشه ها میتواند آستگی!! صورت پذیرد. ولی به بدیده ما این کار امکان پذیر نیست و اقتصاد ایران احتیاج به اعمال جراحی دارد و نه چیز دیگر. رشد اقتصاد ملی و گسترش عرصه های فعالیت آن بلامتک تکیه! اقتصاد ایران را بروی دو آمدن شست زمین مجرب، در آمد نفت که بعنوان منبعی برای ورود کالاهای امیریا لیبی به مصرف میرسد، دست در چنین متن اقتصاد وابسته ای بهیچ جا جزور شکستی و تورم را رهنمون نخواهد داشت. همچنانکه در دوران شاه و این رژیم بوضوح مشاهده کرده ایم.

ولی برای رفع وابستگی فقط به ملی کردن سرمایه های خارجی نمیتوان بسنده کرد. باید اساس اقتصاد ایران را بطور رادیکال وریشه ای مورد تجدید نظر قرار داد. بدیده ما این کار نه در شهرها، بلکه در روستا های ایران نهفته است. انقلاب ایران با بد پرچمنا بودی کامل روابط نیمه فئودالی حاکم در روستا ها را بشکند و دست دهقانان را به اتحاد دیگران برچم فرا خواند. اساس بنا بودی روابط نیمه فئودالی که در اتحاد با سرمایه داری وابسته در کشور ما عمل میکنند عبارتست از تحقق شعار زمین برای دهقانان.

این شعار فقط یک شعار تهییجی نیست. شعاری نیست که با آن به بازی مشغول گشت و با بسوسله آن دهقانان را فریب داد. دور با آن سرمایه سیاسی دست و پا کرد (مانند آنچه که حکام گندینی با هبا هودریاره "بندج" و "بلا شاه" خان با املاجات ارضی بر او انداختند). اگر چه این خیمه شب بازی ها اهمیت این شعار و اهمیت مسئله ارضی - دهقانی را به تمام بی سگنارد زمین برای دهقانان بهیچ طبع پیدا نشود. اما و نا لکان بزرگ است. بهمنای آنست که انقلاب ایران از یکی از دشمنان اصلی خود یعنی فئودالیسم، خلع پیدا اقتصادی، بهیچانند و قدرت اقتصادی مالکان و فئودالها را درهم میکوبد. بهمنای آنست که قدرت اقتصادی متحد امیریا لیبی در ایران بسوسله انقلاب درهم شکسته میگردد. این امری بدیهی است که انقلاب بدون خلع قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی از دشمنان خود قادر به پیروزی و حفظ خود نیست.

تحقق شعار زمین برای دهقانان بهمنای درهم شکستن روابط نیمه فئودالی حاکم در روستا ها است. روابط منسبط و بسوسله ای که دست در دست امیریا لیبی برای قرض دهقانان ایرانی را در بندنگا داشته، از رشد اقتصاد مستقل و ملی جلوگیری کرده، سطح سیاسی و فرهنگی را در روستا ها در عقبمانده ترین نودهای خود حفظ کرده است. تحقق شعار زمین بسرای دهقانان یعنی تا بودی این روابط و وارد کردن اکثریت جامعه ایران به عرصه شکوفایی و ترقی و سعادت.

انقلاب ایران بدون آنکه بتواند اکثریت این جامعه یعنی دهقانان را، با وارد نما رزه علیه امیریا لیبی نماید، هیچ سخن جدی در مورد استقلال نیز نمیتواند بمان آورد. دهقانان بگردن مانع خویش که در ما لکیت سرزمین نهفته است، به این مبارزه کشیده میشوند و به اساس فئودالیسم امیریا لیبی که دو نیروی ارتجاعی متحدند انقلاب هستند. حمله میبرند.

انقلاب ایران را در دورود رازی در مبارزه با امیریا لیبی و برای کسب و حفظ استقلال ایران در پیش دارد. توطئه ها و دسپاسی گوناگونی را با بد درهم بشکند و تاریخ گواهی این مدعا است. ولی بقیه در صفحه ۵

که در درون آن پس از قیام ۲۲ بهمن بوقوع پیوسته است. شما نشان  
یکی از ارکان توطئه های آمریکا است. ما بارها گفته ایم که امروز  
سه گرایش در درون نیروهای مسلح موجود است: یک گرایش  
آمریکائی و متمایل به سلطنت طلبان که بیشتر در کادرها و افسران  
- بخصوص کادرهای بالائی - ارتش موجود است، یک گرایش  
دفاع از رژیم ها کم جمهوری اسلامی که قلبیتی بیشتر نیستند، و  
یک گرایش همبستگی با آزادی و استقلال که اساسا در درجه های  
پائینی ارتش موجود می باشد. انقلابیون و آقای بنی صدر نباید  
فربس و عده و وعیدها و کادرهای بالائی ارتش را بخورند. تکلیف  
در مورد نیروهای وفادار در نیروهای مسلح باید بروی قشر سوم  
باشد، و آنهم با توجه به اینکه تکلیف اصلی نیروهای انقلابی باید  
بر روی نیروهای مسلح مردمی خارج از ارتش باشد. انقلاب را  
مردم میکنند ارتش، و بیانشا جنگ مردم در مبارزه مسلحانه،  
نیروهای مسلح خودشان هستند و نیروهای ارتش، اگر چه برای  
هر نیروی انقلابی که بخورد در فکر انقلاب است، شکست  
انداختن در نیروهای مسلح دشمن و جلب بخشی از آن از اهمیت  
و ثابتهایی می باشد.

امیدواریم که پس از پیروزی انقلاب، شما ننگ گذشته ننهد  
خلق سلاح مردم پسندند و در کمال لگن، خود آقای بنی صدر باید  
امروزه با این نتیجه رسیدیم با شنیدن خلق سلاح مجاهدین و سایر  
نیروهای انقلابی که یکی از پیشینه های اینان پس از انتخابات  
ریاست جمهوری بود در تبلیغات زیادی نیز در این مورد انجام  
دادند، چقدر انحرافی و مضربحال انقلاب ایران بود. امیدواریم  
حالا متوجه شده باشید که یک نیروی انقلابی مسلح چقدر بحال  
انقلاب مفید است. یک خلق مسلح پیروزی و حفظ و نگهداری  
انقلاب را از خطرات تضمین می نماید. و منظور ما از خلق مسلح  
البته فقط سازمانهای انقلابی مسلح نیستند بلکه کارگران و  
دهقانان مسلح، شوراهای کارگری و دهقانی و... است. شما  
نباید یک دولت انقلابی که بر کارگران و دهقانان و شهیدان  
شهری تکیه داشته باشد. نیروهای مسلح نیز جز کارگران و دهقانان  
و... مسلح کسی دیگری نخواهند بود.

مسئله استقلال از نقطه نظر سیاسی اینست که در پیروزی  
میگردد. ولی حلقه مرکزی استقلال سیاسی چیزی جز حاکمیت  
طبقات انقلابی، یعنی کارگران، دهقانان و شهیدان و نیروی  
نیست. استقلال سیاسی بمعنای واقعی کلمه بدون قدرت سیاسی  
طبقات ممبری نیست مفهومی بدون معنا و بیج خواهد بود.  
اشتباه بزرگی که در انقلاب ۲۲ بهمن صورت گرفت و بشمول آقای  
بنی صدر یک رجعت ارتجاعی منجر گردیده است (به تمکیم  
وابستگی و استبداد و... عبارات از آن بوده است که بجای آنکه  
طبقات انقلابی، تحتانی ترین بخش های جامعه که با انقلاب  
را بدون کشیدند، بر قدرت سیاسی دست یابند، طبقه ای از طبقات  
بینا یعنی جامعه در سازش با طبقات ارتجاعی فرسوده و بیگ  
حکومت بورژوازی نیم بند را تشکیل دادند. نتیجه این ملتسمه  
آنچنان گه می بینیم خود آقای بنی صدر نیز بدان اعتراف  
دارند به قهرا رفتن انقلاب بوده است. بنابراین یکی از وظایف  
انقلاب عبارتست از تصحیح این اشتباه بزرگ. و این اشتباه  
تصحیح نمیکرد، و این گج راست نمیکرد، مگر آنکه قدرت سیاسی  
بر اتحاد مستحکم طبقات انقلابی جامعه و بر نیروی مسلح این  
طبقات متکی باشد. شکل این حکومت هیچ نمیتواند جز یک  
دولت انقلابی که بر شوراهای مسلح کارگران، دهقانان  
شهیدان شهری و... متکی باشد. تنها بدین طریق استقلال

اگر مردم ایران بتوانند خود کفائی کشاورزی بدست آورند، اثر  
بتوانند غذای خود را خودتأمین کنند، سالها میتوانند بر علیه  
توطئه ها، دسائیس، تجاوزات و جنگهای احتمالی که از طرف  
امپریالیسم و وابستگان آن بر انقلاب تحمیل میگردند مبارزه  
کنند و بیرونی و مریضند بیرون بیایند. و این امر تنها به کوشش و  
تلاش دهقان ایرانی، با دلبستگی و کشیده شدنش به عرصه  
انقلاب و مبارزه، غذا مبریا نیستی و با تحقق خواسته بحق این  
اکثریت ستم دیدگان امکان پذیر است.  
این را هم بگوئیم که اقتصاد ایران در حال حاضر در درون  
یکی از بزرگترین بحرانهای خود دست و پا میزند و در آستانه  
سقوط و ویرانی کامل است. انقلاب و نیروهای انقلابی باید  
سر به برنا مادی فرستی برای مقابله با این بحران پیش پای  
مردم بگذارند و آنان را بگردان برنا مه نیز بسیج کنند. حکام  
کوشی که خیانت پیشگی را رویه کار خود قرار داده اند، جسز  
وابستگی، بیرونیال دادن به اقتصاد وابسته، تکیه بر چه شیئ  
به در آمد نفت، یعنی همان گوره راه محمدرضا شاه، هیچ برنا مه  
دیگری ندارند.

استقلال در زمینه نظامی یکی از اهداف انقلاب می باشد  
مهمترین نکته در این زمینه عبارتست از سیاسی که یک دولت  
انقلابی اتخاذ میکند. آیا دفاع و حرابت از انقلاب را در گرو سلاح  
می بیند و یا در گرو انسان، یعنی آنکه در جنگ انقلابی عامل  
تضمین کننده و سلاح های مدرن می بیند و یا انسان ذاتی آرمان  
جوی انقلابی. این دو بینش متفاوت در برخوردیه مسئله دفاع  
انقلابی از دستاوردهای انقلاب تعیین کننده استقلال و یا عدم  
استقلال در زمینه نظامی است. یکبار رو برای همیشه با بدبین  
نظریه غذا انقلابی را با یکسانی کرد که گویا جنگهای انقلابی  
توسط اقزارهای جنگی مدرن به پیش برده میشوند. هر کسی میدانند  
که اقزارهای جنگی مدرن در دست ابروتدینها و امپریالیست های  
کوناگون است. و همه کسی هم میدانند که ابروتدینها این سلاح ها را  
نه برای خوش آمدستان از انقلاب، بلکه برای نفوذ سیاسی در  
نیروهای مسلح کشورهای مختلف عرضه میکنند. بدنیال جنگ -  
اقزارهای مدرن، مستشاران و سیاستهای امپریالیستی نیز بر  
نیروهای مسلح غالب میگردد. بنابراین بینش و این سیاستها لاجبار  
به وابستگی در عرصه نظامی منجر میگردد.

با لگن آنگاه که سیاست تکمیل توده های انقلابی، بعنوان  
نیروی محافظ انقلاب برقرار کرد، پیروزی میسر میگردد. هیچ  
جنگ انقلابی با تانک و فو تا توم به پیروزی نرسید. با لگن این  
خلق مسلح به ماده ترین ابزار جنگی زمان بوده که بر تانک و  
فوتوم پیروزی داشت. از انقلاب دفاع نموده. بنابراین این جنگ  
اصل تخطی نا پذیر انقلاب است که برای استقلال، برای آزادی  
و برای حفظ انقلاب بایتوده های خلق مسلح شوند. فقط یک  
خلق مسلح و ارتش انقلابی که بر این خلق مسلح تکیه دارد قادر  
به حفظ انقلاب در مقابل توطئه های امپریالیسم است. به این  
توطئه ها از خارج سازمان داده شوند و به از درون همین جا این  
نکنه را بگوئیم که ارتش فعلی، علیرغم تمامی فعل و انفعالاتی

سرچشمه دارد. بد رفته، استزاعات جنگ که سرور به هر حزب، پس مردم سخاوتند پس ایندراچ گردید. دیگر نه از کا و حرفی است و نه از ساک خرم پس. نه از ستارخان و باقرخان سخنی هست و نه از جبرخان و نه از احمدزاده ها و... نه از قیام مشروطه، نه از نهضت ملی شدن صنعت نفت و نه از قیام خیابانی و... فقط شیخ فضل اله بدنها دوگانه‌اش معروفه و... فرهنگ این حکام بیشتر از شیخ فضل اله و گانه‌اشی قدسیده در اینها زنفورترین مردم این سرزمین بودند. همانطور که فرهنگ محمدرضا شاه بجز از "عظمت‌های کورش و ساردرخونخوار و آقا محمدخان جلادورماخان کودتاجی و نوکر بیشتر قدسیده، مال اینها هم از اعمال انقلاب ننگانه چند عدد خاشن دیگر فراتر نمی رود که فقط روزه‌ای از مبارزه جوشی حسین درگزرا در ۱۳۲۰ سال قبل در سردارده.

فرهنگ این ملت، زمان و آداب و سنن و هنر این ملت، در طول عمر براد با رژیم‌های سلطنتی گوناگون و مخصوصاً آخرین آنها غربت جدی خورده است. این حکام اسلامی هم که آمدند ضربات بیشتری بر آنها نواختند. اگر در استان میرسد و حرشست میگردند آداب و سننی چون نوروز را از این ملت میبرودند. انقلاب باید این گنج را هم راست گرداند.

ولی همانطور که گفتیم همه اینها در گرو یک امر است: **قدرت سیاسی!** بدون گسست قدرت سیاسی، بدون تشکیل یک حکومت واقعا انقلابی و دلموزسرای زحمتکشان جامعه که بر ارکان های صلح نموده‌های مردم استوار باشد، کار بیشتر از حد چند ملاح و فرقم شمشیت جلوتر نخواهد رفت و باز چند سال بعدش همان آتش خواهد بود و گامه همان گامه!!

نگنه، گونا دیگری هم میگوئیم و این سخن از بحث فردمان را تمام کنیم. آقای سنی صدر در انتهای "میشاق" خود اطمینان داشته اند که "باورم اینست که وظیفه‌ی اساسی هر انسان معتمدی اینست که راه را بر سر خطه دوباره و همه جانبه‌ی آمریکا و نفوذ هر قدرت خارجی دیگر (روسیه، اروپا، چین و...) ببیند. این سخن بخودی خود بسیار درست است و اشکالی بر آن نمیتوان گرفت. بدیده ما نیز مسئله استقلال لفظ در ره‌های از سطر، آمریکا خلاصه نمیکردد، اگر چه دشمن اصلی استقلال ایران امپریالیسم آمریکا است و شناخت همه جانبه و واقعی ای از سیاست ها و نیروهای آمریکائی از ماسی طلبد. ما برای استقلال از هر قدرت خارجی می جنگیم. آمریکا، روسیه، اروپا، چین و... ولی این امر بطور ناگانی بیان شده است.

ما باید شناخت درستی از دشمنان انقلاب ایران داشته باشیم. و شناخت درستی از ماهیت نیروها و قدرت های خارجی. منظور ما از نیروی اینست که با بدیده، آن کشورهایی را که آقای سنی صدرنا مبرده اند همیشه قدرت‌های امپریالیستی و ارتجاعی بحساب آوریم و نه بعضا قدرت‌های شرقی که در عین حال ما خواهان استقلال از آنها هستیم. بگذارید این نکته را بیشتر تکرار کنیم. ما خواهان استقلال ایران هستیم. ما حتی اگر کشوری یک رژیم شرقی و انقلابی نیز داشته باشد، بدان کشور دوست حقوق مداخله در امور داخلی ایران نمیدهیم (اگر چه آن کشور انقلابی باشد خود از این کار طبیعتا احتراز جوید) ولی شناخت درست ما از ماهیت نیروها و قدرت‌های خارجی در چگونگی روابطی که با آنها برقرار میکنیم تا تیر عددی و مستقیم میگنارد. مسلما سروق میکنند که ما آمریکا را یک قدرت امپریالیستی و ارتجاعی بدانیم و ما یک قدرت آزاد میخواهیم.

سیاسی و آرادای سیاسی و دمکراسی توده‌ای واقعی امکان پذیر است. سیاسی مراحتا مطرح ساخت که اولین گام در این جهت عبارتست از سرنگون ساختن رژیم خمینی، تشکیل یک حکومت موقت انقلابی که با نکیه بر قیام ملاحظه توده‌های مردم سرسبز گزاردد، مانند و مراخواندن یک مجلس موسان که نمایندگان آن دارای مستقیم و مخفی و بطور آزاد انتخاب شده باشند. از اولین اقدامات این دولت موقت انقلابی، افشاء و لغو کلیه قرارداد های امپریالیستی که با از دوران شاه معدوم باقی مانده اند و با در دوران رژیم جمهوری اسلامی منعقد گردیده اند. مذاکرات ملی و محازرات در خور خاشین به انقلاب و فاش شدن فریبان این خلق و... فقط این چنین استقلال سیاسی به گف و اواعدا بدو سبب از این فقط حرفهای قشنگ ولی بی محتوی خواهد بود که ملت ایران از شنیدن آنها پاک خسته شده است و دیگر در قلب وی هیچ آتشی را سر نمی افروزند.

یکی دیگر از وظایف انقلاب، رشد و تکوین فرهنگ ملی ایران، فرهنگ ملت‌های گوناگون در عرصه جامعه است. امپریالیست‌ها و رژیم‌ها و ضربات جدی بر فرهنگ مردم این مرز و بوم وارد آورده اند. یک رشته مشکلات پس مانده است. استعماری را که مردم ما هیچگونه فرات و نزدیکی با آنها احساس نمیکردند، بعنوان فرهنگ و هنر و موسیقی و آداب این جامعه کردند. هنر "تو" هنر برای هنر و اس خزعلات استعماری و سرفور در جامعه جریسان یافت در حالیکه همان شعرای بزرگی چون نعمت میرز زاده و شفا پور دوخته شده بود. یک عده ما عود در بیوزه در باری در وصف عشق و عاشق و مشوق به مفتضح ترین شکل خزعلات سرهم میگردند و بسرد و تحویل میدادند. زبان و آداب و رسوم ملت‌های گوناگون ایران تکلی سرکوب میگردد و اواجه زده رشد و تکوینش بدانها مانده است. رژیم امپریالیسم مذبحخانه کوشش میگردند که هویت ملی ایرانیان و فرهنگ ملی و مردمی آنان را نابود سازند.

ولی رژیم جمهوری اسلامی نیز در همان جهت، اما تکلی دمکرا برداشته. اگر سعید سلطانیور در زندان شاه میموتد، در زندان رژیم جمهوری اسلامی به جوشه تیر بسته شد. اگر مردم کودتای ازنگلی زبان کردی منع شده بودند، در این رژیم از حق زندگی هم محروم گردیدند. اگر رژیم شاه دانشکا هیا را محبسط کورستانی میخواست، این رژیم بکسر در آنها راخته کرد و بسیاری از اندیشمندان ایرانی را چه از علما و چه از فرهنگ دانسان و نویسندگان و شعرا را به گنج خانه ها و دیار خسار ج فراری نهاد. بجای رشد و تکوین هنر و موسیقی اصیل و مردمی ایرانی، آنها را "حرام" دانستند. بجای زبان شیوای فارسی قدیم را دیگر به جای یک مردمی چینی آنها را میفهمید. یک رشته فرمول‌های بی سوخته عربی که جاشی هر حرف و شعراست است به مردم تحویل داده میشود (و نه حتی زبان عربی، بلکه یک رشته فرمول‌های حدایی سرونه بجای آنکه هم از زندگی و مبارزه توده مردم بی گوید. ملاحظه فرمائید و مبارزه، این ملت را

بقیه از صفحه اول  
 ضمیمه ...

بان سود و در پیشگاه شاه و اشرف عرجائی سرورش نفت ریختند، و خود شاه و اشرف کبریت را کشیدند. کریم پور شیرازی در حالیکه زنده زنده میسوخت شهید شد و در مقابل چنان وقیح درباریان! حال این خدا نقلابیون حاکم میخواهند نام ویاد او را از ذهن این ملت بزدایند، مگر شدنی است؟

۲ - پارک صدبهرنگی به پارک فدک تغییر نام یافت. برای همه کودکان و نوجوانان ایران، صدبیک قهرمان بوده و هست. برای همه، ملتان متعهد صدیک آموزگار بوده و هست. و برای همه، انقلابیون ایران، صدیک نمونه بوده و هست. صدیکه زندگی اش را وقف مبارزه و رهایی میرومان و مستبدیدگان این جامعه کردیدست. ساواک مصدرها شاهی گشته شود در آری به دست آب سپرده شد. این حکام مرتجع فکرمیکنند که با برداشتن نام صدبهرنگی از روی سنگ گردشگاه میتوانند نام او را از خاطر ببرند. ولی نمیدانند که خاطره صدبهرنگی در ذهن همه دوستدارانش، کجاست. بایند از همه قلب های تمام رحمتگنان ایران است. بنا بدقتی بسته است.

۳ - پارک زحمتگنان بنام پارک رضوان تغییر یافت. این یکی دیگر از شاهکارهای این حضرات است. اینها آنقدر مرتجعند که حتی از واژه "زحمتگنان" نیز میپرهزیدند و از آن نفرت دارند، چه در خود زحمتگنان! درباره این تغییر نام هیچ توضیحی لازم نیست. فکرمیکنیم احتیاجی هم نیست به معرفی "زحمتگنان" داشته باشیم.

این تغییر نامها (وهم چنین تغییر نام خیابان

حرفی بزنیم. فکر نمیکنیم ملت ایران فراموش کرده باشد که میدی رضائی را ملقب به گل سرخ انقلاب ایران کرده و مبارزه جوشی این خانواده را بظهور مبارزه خویش بر علیه رژیم شاه میدانست. ولی برای مکتبی ها و خدا نقلابیون حاکم تحمل نام رضائی ها سخت است. همانطور که برای شاه سخت بود. شاه آنها را کشت، و اگر دست این خدا نقلابیون هم به بقیه خانواده رضائی ها برسد همان کار را خواهد کرد. فعلا فقط دستش به تغییر نام رسیده است. آخر هر رضائی ها کدام است؟ آنها از ما مدین خلقی بودند و با زمانه گانگانشان حاضر نشدند از عقیده خود دست بردارند. همین! ولی برای ملت ایران میدان رضائی ها هنوز میدان رضائی هاست!

۴ - خیابان کریم پور شیرازی به خیابان کمیل تغییر نام یافت. کریم پور شیرازی که بوده؟ شاید این را در مبارزه با رضائی ها معروف بودند. و با تیر مردم نباشد. وی یک روز نامه نگار سرخته و مبارزه در دوران پسر تلاطم نهضت ملی شدن صنعت نفت بود. وی دشمن سرخفت در سایر ریلوئی بود و بی ایمان و بدون ترس و وا همه نیا بیج و جنایات آن دار و دسته شرور و خبیث را بر ملا میگردد. وی پس از کودتای ۲۸ مه در جنگال دربار و حکومت نظامی اش سرگشت شکنجه های فراوان دید. آنقدر مورد نفرت دربار

درباره ...

ملما دکتر مصدق نیز خواهان استقلال از آمریکا بود. ولی سی شناخت اشتباه ایشان از ماهیت و نقش آمریکا، سیاست های انحرافی و مغرب حال نهضت مردم ایران در آن دوران منحرف گردید. امروز هم همین امر صادق است. البته نه در مورد آمریکا، بلکه در مورد روسیه! بسیاری از نیروها اگر چه خواهان استقلال ایران هستند، ولی روسیه را یک کش روسیالیستی، مترقی و دوست انقلاب ایران میدانند. و فقط برخی "اشتهاها" را در سیاست خارجی بدانها نسبت میدهند. با چنین شناختی از روسیه ملما روابطی که با آن کشورهای اقمارش برقرار میکنند از ماهیتی کاملاً متفاوت از آنچه که با یک کشور امپریالیستی و ارتجاعی برقرار خواهند کرد، برخوردار خواهد بود. و ام گرفتن از روسیه، نه وام گرفتن از یک کشور امپریالیستی بلکه وام گرفتن از یک کشور "سوسیالیستی" تلقی خواهد شد و تبلیغ خواهد گردید. تجاوز نظامی آن کشور به افغانستان نه یک تجاوز امپریالیستی و توسعه طلبانه بلکه یک اشتباه در نحوه دفاع از انقلاب افغانست. "!! آنهم بطور "دینا سیک" تلقی خواهد گردید. حضور هزاران سرباز کوبایی در آنکولوا تیویبی توحیه خواهد شد و سختی هم از سربازان خلق آریتره بمیان نخواهد آمد. بنا بر این باید روشنی در مورد دوستان و دشمنان انقلاب ایران موضع گیری نمود. همانطور که گفتیم فرمول آقای بنی صدر خود هیچ اشکالی ندارد، ولی راه برای توصیفات گوناگون باز میماند. همانطور که گفتیم باید از گنگ گوشتی و مسهم سردازی اجتناب ورزید. فکر نمیکنیم حتی حزب توده هم با این فرمول مخالفتی بکند. حزب توده هیچگاه نگفته است و نمی گوید که میخواهد ایران را وابسته به روسیه بکند (همانطور که شاه هم نمیگفت که میخواهد ایران را وابسته به آمریکا بکند) و حتی ادعای احقاق حقوق ملی ایران!! را هم داشت (و مراحتاً "نه شرقی، نه غربی" را در ظاهر پذیرفته است. بنا بر این با اعتقاد ما باید ماهیت این نیروها را برای مردم ایران روشنی بیان داشت و خودمان هم بر روی آنها روشن باشیم. مخالفت انقلاب ایران با دوا بر قدرت امپریالیستی ساخته و پرداخته غمیسی نبوده است! این امر رضائی از غدهت فوق العاده مردم ایران با امپریالیستها و نگاه قابل تحسین مردم بیرونی نیروی خودی بوده است. این امری است که انقلابیون ایران که برچم استقلال را برافراشته اند، باید تشویق و تشدید کنند، نه آنکه آن را مخدوش و مبهم سازند.

اخبار ...

صدای الله اکبر در زندان طنین می اندازد و فریاد زندانیان بگوشی پاکتان شهر میرسد. سپس با عذاران به درون خانه شهید میروند و خبر آن را به پدرش که یک کارگر زحمتکش است میدهند. پدر در جاکنه میگردد. این شهید فارغ التحصیل دانشکده مهندسی میباشد و چندی پیش دستگیر شده بود و به ۱۵ سال زندان محکوم گردیده بود. ولی مستدین خوشنوا را و اربابین طریق شیراران نمودند.

در کارخانه سیم الکتریک شهید کتفروا بحرم غرورد آب در ماه رمضان گتگ میزنند. کارگران وقتی غرور میشوند همگی فرمان حمله مطرف شیر آب سر (زاگرس) را میدهند و روزی بی روزی همگی آب میخورند و سعد هم میگویند حالا سیاه را خیر کنید

مقاله از صفحه اول

## چرا احکام...

کوچکترین حرکت ماها را زیر نظر داشتند. شهرای آمروزی بیگناهی نیست... این احکام را میگویند به شیرایانی که از این سد ما نمیتوانیم تحلیل کنیم که میل ما دتومان بود که این کشور را بدیم به شاهها و در دنیا رکلاشتی بد نیاید، محلت... و این کانونه بیند و ما این زلطوی کلانتری عبور کنند و ما را اینستند. نکند (اطلاعات) ۱۳۷/۸۱۷

جناب رفتجاتی بیاند همه مرتحنین در قدرت گینه زمس و بر بایش میلند و حرف زده است جناب رفتجاتی از اس ناراحت است که چنرا شیرایانی... میباید که قهریت رژیم حیوری اسلامی آنطور که باید و نماید و طاعت معسولت و پیش عمل نسیکند جناب رفتجاتی میگوند که ایشان وسدست نشاز در قدرت می... خواهند شیرایانی عا منظور عمل کند که در دنیا اند شاه عمیل مگردینی ایجاد و رع و و جت و ترور یعنی جتم در لطات بیکاری هم ناموران بلیس و شیرایانی با لیبین مدال راه بیفند و دشال انقلابیون مگردند (منله) منتسب آن سازمان اطلاعات ۳۳ میلیونی چک و راه است (۱۱) جناب رفتجاتی میگراهد شیرایانی مبارکمالش و جتیا نه تیر به انقلاب و انقلابیون جلیبه

نمود در دست ما نند دوران شاه معدوم ولی الله انبار تحت یوان حیوری اسلامی. جقدر رژیم شاهنشاهی و رژیم حیوری اسلامی نهم نموده اند! البته جناب رفتجاتی خیلی منطقی هم بحث کرده اند گفته اند که ما ۵۰ میلیار دتومان در سال بشما (یعنی تشریفات) بیل نمیدیم که برای ما هروتنی و تریاک کشت کنند و قاچاقچی دستگیر کنید، اینها کافی نیست ما ۵۰ میلیار دتومان میدیم تا انقلاب را خفه سازند! و این اعتراف "مستوصافه" از جناب رفتجاتی سونج بریک اصل مارکسیستی صحه میگذارد که نیروهای انتظامی (آرشی بلیس) با سازمان ژاندرمری و... (هنگی ابزار سیادت یک طبقه حکم بر طبقات محکوم هستند! دفاع از آب و خاک مبارزه با حنایس و تائین امنیت... همه دروغهای شاخه! رهنسند قوه قهریه در اسان برای مرکوب دشمنان طعانی به علی است جناب رفتجاتی رفتجاتی هم همین را میگویند او از این معاد بسیار منطقی صحبت میکنند!

ولی چرا شیرایانی اینطور که باید و نماید نه امیال ما حیان قدرت عمل نمیکند و بقول جناب رفتجاتی "شکار است؟ بیدیه" ما این امرایانی از دولت است. اول آنکه بسیاری از آنها کارها، امران و گزده اند... گان شیرایانی حیوری اسلامی همان کارها، امران و گزده اند... داندگان تربیت شد در نظام تاجشاهی هستند. ایشان اگر چه نفرتی عمیق از انقلاب و انقلابیون در دل دارند ولی این نفرت نه ناشی از معتق زابد الوصفان برای ولایت عقبه و اما آنهاست بلکه بخاطر عشق و علاقه شان به پادشاهی است. او تاجی قدیمی سلطنتی است. صدیقته برای موجود در جلیبه

شاه در درون نیروهای مسلح منعی گردیده است (بحسب پادشاهان شایده) مادرهای دیگر هم گفته اند که نیروها منسح اسامایه داشته نقدیم فشرود دستهای هنوز علائق خود را نشست بعد از دستهای سلطنت طلب با ارتجاعی قهیمی حفظ کرده است. دست دوم که ارتجاع چنددل ستهاست و از آن حقایق سکت و دهنه سوم که ما با در رده، یا شینی است نیروها ترور دارند به انقلاب و نیروهای انقلابی شایبیل دارند. در نیروهای جتسون شهرتانی و وواتار غری که کمتر از سایر نیروها دستخوش تغییر و تحول شدند. بخصوص دست بندی های اول و سوم نسبتاً از وزن مخصوص بیشتری برخوردارند. و دوم آنکه: همانطور که گفتیم ستیازی از رده های پادشاهی این نیروها (و منجمله شهرتانی) از قتل و کشتار و حنایسائی کلان دارند دستها شورا اسلامی سرانداخته اند سخت ناراضی میباشند و نسی... خواهند جز یک خرم این حنایس کاران شوند. لاشک انقلاب بروی این رده هائی تاثیر نند و آنها نمیخواهند سانسند

دوران رژیم شاه بهره های گنگ و گزوه گزوه ستورات حکومت جلادانند، حقوقی آنکه اجناس می کنند آنها را زیاد هم با پادشاه نیستند. در همین جاناتاید... انقلابیون و نیروهای انقلابی یک اصل انقلابی زاینستند و اور شوم. البته، چانه تیر لاشک کشتی های تزرگی را در پیش روی ما قرار داده است که سریعاً به درگیریهای منجمله خواهد گشت. این امر اجناب نا پذیر میباشد. نتایج آنکه این امر، و نتایج آنکه اینک مصالح سنیاز آماده ای برای کار در تیر و های مسلح سوخته آمده است. و نتایج به اینک یکی از اصول مهم مارکسیسم انقلابی در ایران دوران حاضر کار در درون

نیروهای مسلح است، میباید سعی به فضاست در درون این نیروها، منسح و سازماندهی کردن نیروهای خود را و تحلیف و ترویج کسند در صوف این نیروها شرحه جدی میدول دارند تا این شکیفات و ترویج باید همه جا نبوده و ضمن سرانگیختن پرسنل نیروهای مسلح به همراهی ملت ایران در راه سرانداختن رژیم فاسد حیوری اسلامی ما عناصر و گروهای سلطنت طلب و ارتجاعی موزیندی هقیق نماید. در عروان حاس کنونی یکی از عرصه های مبارزه، سوم آنست که نیروهای اجناب می درگیر، تاجه حد نیروهای مسلح را با خود همزاه میکنند. جناب رفتجاتی جانشیدیه و ارتعاس و طبع (۵۰ میلیار دتومان) آغاز کرده اند. این امر هم ترمز را سخ اجناب را برای مرکوب گامل انقلاب و انقلابیون نشان میدعدوم اینکه تاجه حد آنها عیازون بود و جتوسی در درون شیرایانی حیوری اسلامی بی جایه میباشند. این اوضاع کار جدی انقلابی مومفوسوف حیزوهای مسلح را می طلند!

هدایت ما انقلاب همه... ممدی و... فقط یک امر را ثابت میگند: این حکم ما عرصه که این ملت برای شان عرز است و دست دشمنی میوزند. تمدق، تکویم پور، ضد بیژنگی، رفتجاتی ها برای این سلطنت عریزند، جوت هر که ام از این شخصیت ها، مظهر یک دوران از تاریخ تلاش و کوشش و رشوخون این ملتند. و این ها در صفتان از همین مظاهر و جتند دارند. و بجای این شخصیتها، چه سنده شده یک دهنه که مظاهر خیا است احد: جواج کاشانی و بهشتی لوزنی و ذیل الله خوری و... نکت است این ۵۰ زده شده در هیچ فتووردی نتواند ندارد، حتی در مورد نام خبانه شهید!